

مسئولیت کیفری مجرمان خشن و تاثیر سلامت روان آنها در ارتکاب جرایم خشن در حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

ابراهیم مومنی^۱

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، علوم تحقیقات تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

در قانون مجازات همه کشورها از جمله فرانسه، انگلستان، آلمان، دانمارک، ایالت متحده آمریکا و کانادا مجموعه قوانینی وجود دارد که با در نظر گرفتن جوانب دفاع جنون، مسئولیت کیفری بر این افراد به درجه عقلانیت وی وارد میشود و اگر جنون یا اختلال روانی وی ثابت شود رفع مسئولیت میشود. میزان مسئولیت کیفری در مجرمان خشنی که سلامت روان آنها دچار مشکل است میزان مسئولیت کیفری آنها متغیر است به شکلی که گاه شخص به طور کامل از قوای عقلی بهره مند است و نسبت به اعمال خشن خود آگاه است و گاه نتیجه آسیب روانی قوه عقل خود را از دست داده و قوه ی تمیز و تشخیص ندارد که این میزان توسط معاینه‌های بالینی و پزشکی مشخص میشود و بر اساس میزان ان رفع مسئولیت میشود. بر اساس اهمیت این موضوع در قوانین اسلامی، جرایم خشن از مهم‌ترین جرایمی است که در قانون مجازات اسلامی به آن توجه است. این جرایم طیف وسیعی را در برمی گیرد اما با این وجود پرخاشگری در تمامی این طیف مشترک است. آمارهای موجود یک دهه گذشته در خصوص جرایم خشن نشان از آن دارد که این پدیده رو به فزونی است از این نظر باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. جرایم خشن موجب سلب آرامش و امنیت جامعه می شود از جمله این



¹ Ebrahim.momeni4738@gmail.com

جرایم سرقت مسلحانه، یا سرقت‌های توام با ضرب و جرح شدید، دزدی‌های شبانه با ایجاد رعب و وحش، نزاع‌های منجر به جرح و مرگ، تجاوز(به طوریکه تمامی اذهان جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین، شیوع روز افزون جرایم خشن و گستردگی آن، به خصوص در وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی جامعه را با آسیب‌های اجتماعی زیادی مواجه ساخته است یکی از دلایل اهمیت مطالعه و کندوکاو در این زمینه است.



مقدمه

در قانون مجازات اسلامی عنوان مجرمانه‌ای به نام جرم خشن به چشم نمی‌خورد، اما از انواع جرائم تدوین شده، جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، جزء مواردی از جرائم خشن لحاظ گردیده است که شامل جرائمی مانند قتل، ضرب و جرح و دیگر جرائمی که به اشخاصی آسیب روحی می‌زند و در رأس این نوع جرائم از قتل و اسیدپاشی می‌توان یاد نمود که مجازات سنگینی را بدنبال دارد. یکی از عوامل ایجاد جرائم خشن و خطرناک پرخاشگری می‌باشد، که بنا به تعاریف حقوقی پرخاشگری نوعی رفتار خشم‌آلود و خشن است که به قصد آسیب‌رساندن به دیگران محقق می‌شود و خشونت در ادبیات کیفری در یک معنا اعمال زور و قدرت به منظور آسیب‌رساندن جانی به دیگری، کاربرد غیرقانونی اعمال زور و قدرت شامل قتل، حمله و تهاجم، چاقو‌کشی، تجاوز به عنف را اصطلاحاً خشونت کیفری می‌نامند. مرتکبین جرایم خشن ممکن است در حین ارتکاب جرم دارای عارضه بیماری بوده و سلامت روانی خود را از دست بدهند و یا ممکن است در زمان محاکمه دچار بیماری شوند. این بیماری ممکن است در زمان اجرای مجازات و یا در حین تحمل کیفر بر مجرم عارض شود. بیماری گاهی اوقات سبب می‌شود که روند رسیدگی و محاکمه از حالت طبیعی خود خارج شده و امکان محاکمه عادلانه و مطابق با موازین عدالت طبیعی مجرم وجود نداشته باشد. چرا که گاهی اوقات بیماری روانی در حدی است که سبب می‌شود مجرم قادر به ارائه ادله خود نبوده و دادگاه نتواند دفاعیات او را از خود استماع کند.

بخش اول: قائلین به عدم تأثیر جنون بر اجرای حد

این نظر، نظر صاحب جواهر است که بسیاری از فقها به آن معتقد شده‌اند. صاحب جواهر در بیان حد، چه رجم باشد و چه جلد با حدوث جنون و ارتداد ساقط نمی‌شود به دلیل استصحاب. نظر خود چنین استدلال می‌کند اگر حد از نوع جلد باشد، در مسالک الافهام آمده است که در صورتی که با صبر کردن احتمال بهبودی مجنون باشد و در واقع جنون او ادواری باشد، حد ساقط می‌شود چرا که حد جلد برای پیشگیری وضع شده است. ولی نظر اقوی آن است که نظر





مسالك الافهام خلاف اصل و خلاف صحيحه‌ای عبيده از امام محمد باقر (ع) است. که از امام محمدباقر در خصوص مردی که بر وی حد واجب شده بود ولی اجرا نشده بود تا این که دچار جنون گردیده بود، سؤال شد. امام (ع) فرمودند: اگر در حالیکه سالم بوده است، حد را بر خودش واجب کرده باشد، توجهی به زوال عقل او نمی‌شود و حد را بر او جاری می‌کنیم و حد هر چه باشد بر او جاری می‌شود (نجفی، ۱۳۸۸: ۳۴۳). همان‌گونه که از کلام صاحب جواهر مبرهن است ایشان در بیان این نظر که حد چه رجم باشد و چه جلد، چه جنون ادواری باشد و چه دائمی در فرض حدوث جنون به تعویق نمی‌افتد به اصل استصحاب و روایت ابو عبیده از امام محمد باقر (ع) استناد کرده‌اند و نظر شهید ثانی در مسالك الافهام را نیز به خاطر آن که مخالف اصل و روایت است رد کرده است. به استدلالات صاحب جواهر جواب- هایی از سوی فقها وارد شده است که در ادامه خواهیم آورد؛ ولی به طور مختصر بیان می- داریم که استناد صاحب جواهر به اصل استصحاب چندان با موازین اصولی سازگار نیست؛ چرا که در استصحاب وحدت موضوع شرط است و در این مسأله موضوع استحقاق مجازات قبل از دیوانگی انسان عاقل بوده است، اما پس از عروض دیوانگی انسان مجنون است و با توجه به لزوم وحدت موضوع در استصحاب، نمی‌توان گفت شرط وحدت موضوع و اتحاد متقین و مشکوک موجود است. زیرا وصف عقل و دیوانگی موضوع قبلی را از موضوع فعلی‌اش متمایز می‌سازد. درست است که ذات موضوع یکی است و دیوانه کنونی همان عاقل پیشین است، اما با توجه به نقش وصف عقل در گوهر انسانی دیوانه و عاقل در موضوع کاملاً متفاوت هستند. علاوه بر آن در صدر روایت عبارت "فلم يضرب" به معنای "او را نزده‌اند" آمده است. این تعبیر این احتمال را به ذهن می‌آورد که مورد روایت نه مطلق حد، بلکه خصوصیت تازیانه باشد. عبارت "اقیم علیه الحد کائنا ما کان" که در ادامه این روایت آمده است، این احتمال را تضعیف می‌کند، هر چند آن را منتفی نمی‌کند. زیرا هر یک از این دو می‌تواند قرینه‌ای بر دیگری باشد (نوبهار، ۱۳۹۸: ۱۹۱). از دیگر قائلین به این نظر آیت‌الله خوئی هستند. آیت‌الله خوئی در توجیه هنگامی که، نظر خود به روایتی که صاحب جواهر به آن استناد کرده‌اند، استناد کرده و بیان می‌دارند بر شخصی حد واجب شود و سپس مجنون شود، از او حد ساقط

نمی شود، بلکه بر او در حالت (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۲۶۳) امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسيله به همین نظر معتقد هستند و این جنونش حد جاری می شود حد با عارض شدن دیوانگی و ارتداد ساقط نمی شود. پس اگر بر خودش حدی گونه بیان می دارند را واجب کرد، در حالی که صحیح است و مرضی از رفتن عقل در او نباشد، سپس دیوانه شود، حد بر او اقامه می شود، چه رجم باشد و چه جلد. و اگر دیوانه ادواری در وقت افاقه و صحتش مرتکب چیزی شود که موجب حد شود حد بر او اقامه می شود ولو در حال دیوانگی او باشد و انتظار افاقه (موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۹۱) و علاوه بر این فقها نمی شود و بین آن که در حال دیوانگی درد احساس بکند یا نه فرقی نمی کند و علاوه بر این فقها سیاری دیگر از فقها به این نظر هستند.

بخش دوم: قائلین به عدم اجرای حد در فرضی که جنون قبل از محاکمه

فقهای شافعی و حنابله در خصوص جنون طاری قبل از حکم عقیده دارند صدور حکم، مانع محاکمه و صدور حکم نیست و استدلال آنها این است که تکلیف شرط نیست مگر در زمان انجام جرم و در این فرض اثر جرم منحصر است در تعجیز متهم از دفاع و قاعده آن است که عجز از دفاع محکمه را متوقف نمی کند و شخص کر و لالی که نطق خود را بعد از ارتکاب جرم از دست داده است نیز صرفاً از دفاع خود عاجز است و این عجز مانع محاکمه او نیست. فقهای مالکی و حنفی عقیده دارند جنون قبل از صدور حکم مانع محاکمه می شود، تا زمانی که جنون رفع شود؛ چرا که شرط عقوبت تکلیف است و این تکلیف باید تا زمان محاکمه موجود باشد. ولی در فرضی که جنون پس از صدور حکم حادث می شود، نیز نظر فقهای عامه متمایز و حائز توجه است. در این فرض حکم در حال صحت و سلامت صادر گردیده است ولی در زمان اجرای حکم فرد مجنون است که در این صورت شافعی عقیده دارد، در این فرض تنفیذ و اجرای حکم متوقف نمی شود مگر آن که اولاً جرمی که محکوم علیه به آن محکوم شده است از جرایم حدی باشد و ثانیاً دلیل اثبات حد، اقرار باشد و ثالثاً تنها دلیل اثبات حد، اقرار باشد؛ چرا که محکوم علیه در حدود می تواند تا اجرای حکم از اقرارش





رجوع کند و ابتلای او به جنون مانع از رجوع او از اقرار است و این بر خلاف حق محکوم یعنی حق رجوع از اقرار است. البته در فقه امامیه رجوع از اقرار به این وسعت پذیرفته نشده است در همین فرض فقهای مذهب مالکی عقیده دارند: جنون اجرای حکم را تا زمان بهبودی مجنون، متوقف می‌سازد، مگر آن که مجازات از نوع قصاص باشد، که در این فرض بنابر نظر برخی از فقهای مالکی، اگر امیدی به بهبودی مجنون نباشد، قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

ابوحنیفه هم در این خصوص بیان می‌دارد: متوقف شدن اجرای مجازات بر مجنون نظر ابوحنیفه است، مگر آن که جنون بعد از تسلیم مجنون، برای اجرای مجازات حادث شود، چرا که جنون در جایی مجازات را متوقف می‌کند که قبل از اجرای مجازات باشد و هنگامی که مجازات اجرا شد (شروع به اجرا) جنون اجرای حد را متوقف نمی‌کند (عوده، ۱۳۲۴: ۵۹۹-۵۶۹). بنابراین بسیاری از فقهای متقدم و متأخر بر این مسأله تأکید دارند که اجرای حد بر مجنون با امکان دفاع مجنون از خویش و تساوی سلاح‌ها به تعبیر علمای علم آیین دادرسی کیفری تعارض دارد. اصل قضایی بودن مجازات‌ها اگر چه دارای پشتوانه‌ای قوی در فقه و متون دینی است، ولیکن پاره‌ای از فتاوی در ظاهر با این اصل مغایر هستند که از جمله‌ی آنها اعتقاد به اجرای حد بر مجنون در حالی که جرم علیه او در حال جنون ثابت شده برخی احکام ناظر بر این می‌باشد. در خصوص این گونه فتاوی مغایر با این اصل گفته شده است استثناء بر اصل قضایی بودن مجازات‌ها مربوط به فضایی است که مجازات چون امروزه امری عمومی تلقی نمی‌شد. امروزه با تغییر تلقی‌ها از مجازات و عمومی شدن آنها می‌توان به بازخوانی نصوص و متون دینی در پرتو این تحول پرداخت. به ویژه آن که قضایی شدن مجازات سبب رعایت بیشتر عدالت و پرهیز از مجازات شدن افراد بی‌گناه می‌شود. این چیزی است که شارع مقدس اسلام سخت بر آن اهتمام می‌ورزد (باهری، ۱۳۹۴).

بخش سوم: قائلین به عدم اجرای حد بر مجنونی که احتمال افاقه او هست

این دسته از فقها بین حد رجم و حد جلد قائل به تفکیک هستند. البته تفکیک بین حد جلد و حد رجم به مفهومی صحیح‌تر به معنای تفکیک بین مجازات‌های جدی سالب حیات و

مجازات حدی بدنی است و تصریح به جلد و رجم به خاطر آن است که عموم فقها این فرض را در بحث زنا طرح کرده‌اند. این دسته از فقها عقیده دارند که مجازات حدی بدنی بر مجنونی که احتمال افاقه در او هست، اجرا نمی‌شود و بر مجنونی که احتمال افاقه در او نیست، اجرا می‌شود و برای این نظر خودم دلایلی را ارائه می‌کنند. شاید برای اولین بار این مسئله را شهید اول در مسالک الافهام بیان نموده باشد، چرا که قاطبه‌ی معتقدین به نظر، نظر خود را پس از بیان این عقیده از سوی شهید اول بیان داشته‌اند. شهید اول بیان می‌دارد: با حدوث جنون و ارتداد، حد ساقط نمی‌شود و در میان حدود بین حد قتل و غیر آن تفاوتی نیست ولی اگر حد قتل باشد مسلماً برای افاقه منتظر نمی‌شویم و اگر حد جلد باشد اگر امکان افاقه برای او باشد در خصوص انتظار افاقه دو نظر هست: نظر اول آن که منتظر افاقه باشیم چرا که در صورت افاقه اجرای حد از نظر بازدارندگی قدرت بیشتری دارد. نظر دیگر آن است که منتظر افاقه نباشیم چرا که در روایت امام محمد باقر (ع) آمده است در موردی که حد بر او واجب شده و سپس مجنون شده است حد جاری می‌گردد (عاملی، ۱۴۱۳: ۵۳).

فقها در بیان دلایل خود در خصوص این تفصیل گفته‌اند. برخی عقیده دارند علت عدم مجازات بر مجنون آن است که او درد را احساس نمی‌کند. عده‌ای دیگر به عدم بازدارندگی این مجازات به علت عدم ادراک او استدلال کرده‌اند. برای مثال محقق اردبیلی در خصوص این مطلب بیان می‌دارد احتمال سقوط حد تا زمان افاقه مجنون هست، علت این امر هم تکلیف نداشتن مجنون: "عدم نفع در اجرای حد بر مجنون است؛ چرا که او ادراکی ندارد که موجب منع او شود". همچنین حد بر: "ظاهر روایت حماد بن عیسی از امام جعفر صادق از پدرشان (علیهم السلام) که بیان داشته‌اند مجنون تا زمانی که خوب شود و کودک تا زمانی که بالغ شود و فرد خواب تا زمانی که بیدار شود اجرا نمی‌شود" هم دلالت بر این مطلب دارد.

یکی دیگر از فقها همین تفصیل را بدو با رد ادله ارائه شده از طرف محقق اردبیلی و با بیان ادله جدید اعلام می‌دارد: تمسک به روایت‌های "لا حد علی المجنون حتی یفیق" صحیح نیست.





مراد از این روایت‌ها آن است که حد بر مجنونی که در حال جنون مرتکب حد شده است جاری نمی‌شود و معنای آن عدم اجرای حد بر مجنونی که جنون او بعد از ارتکاب حد است، نیست و دلالت بر این ادعا نیز مثال معصوم (ع) در روایت بر صبی و نائم است چرا که اصولاً فرد صبی و نائم را نمی‌توان توضیح این که نمی‌توان فردی را تصور کرد که حین ارتکاب جرم بالغ باشد « در این عبارت گنجانده ولی در حین اجرای مجازات نابالغ شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۳۴). نویسنده در ادامه این مطلب نظر خود را این گونه بیان می‌دارد: اقامه حد بر مجنون مخالف ارتکازات عقلی است چرا که آن چه به ذهن متبادر می‌شود، آنرا دارد که هدف از حد مؤاخذة و عقوبت برای کسی است که مؤاخذة و عقوبت را درک می‌کند و هدف اجرای مجازات بازدارندگی و تنبیه و انزجار است نه این که اجرای مجازات امری تعبدی صرف باشد و به همین دلیل است که اگر کسی که حد بر او واجب شده بمیرد و یا بیماری بر او حادث شود که نشاط را از او بگیرد و او فقط زندگی حیوانی و نباتی داشته باشد مانند آن که صرفاً تنفس و جریان خون داشته باشد حد بر او جاری نمی‌شود.

بخش چهارم: اجرای تعزیر بر مجنون

تعزیر در لغت غالباً به معنای تأدیب، ملامت نمودن معنا شده است. در معنای فقهی تعزیر عقوبتی است که برای تخطی از مقررات حکومتی که در شرع برای آن حکم اولیه وجود ندارد، وضع شده است و نوع و میزان و نحوه اجرای آن مشخص نشده است. یکی از فقها در بیان معنای تعزیر بیان می‌دارد: "موضوعات احکامی که به عنوان حکم اولیه شرعی حرام نیستند، بلکه از طرف حکومت حرام شده‌اند و حرمت آن‌ها به واسطه وضع قوانین و بر مبنای مصلحت عامه تعزیر هستند" (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۸) فقها در بیان تفاوت‌های میان حدود تعزیر تفاوت‌های زیادی را برشمارده‌اند که شمار آنها به چهارده مورد هم می‌رسد. برای مثال یکی از فقها این تفاوت را این گونه بیان می‌کند: در تعزیر و انواع آن امکان تغییر هست ولی در حدود به جز در حد محاربه امکان تعخیر وجود ندارد. مسأله تعخیر در تعزیرات، به علاوه این مسأله که بناء تعزیر بر مصلحت و اصلاح است، در این تحقیق و در خصوص تأثیر جنون بر

تعزیر، مهم است. در خصوص مسأله تخیر و امکان تعیین اقسام مجازات در تعزیرات توسط قاضی، صاحب جواهر به نقل فاضل هندی در کشف اللثام بیان می‌دارد: هر گاه گناهکار به گونه‌ای دیگر از کیفر تأدیب شود، روی آوردن به تازیانه و تنبیه بدنی دلیلی ندارد، مگر در مواردی که در خصوص تنبیه بدنی آن بزهکار نصی موجود باشد "یکی دیگر از فقها در این خصوص بیان می‌دارد: چنین نیست که مجازات‌های حکومتی و ثانویه فقط شلاق کمتر از حد باشد، هر چند ظهور لفظ تعزیر در معنای شلاق کمتر از حد است، چرا که از چنین امری، ممنوعیت شارع برداشت نمی‌شود. به دلیل احتیاج حکومت واجب است که در هر مورد عادل-ترین مردم را انتخاب کند، تا بر حسب مورد مجازاتی را که مناسب مصلحت مردم و سرزمین است را انتخاب کن این فقیه در بیان دلیل خود برای امکان توسل به سایر مجازات‌ها در تعزیرات این ادله را بیان می‌کند: "پیامبر (ص) کسی را که متهم به سرقت گوسفندی بود حبس کرد و هنگامی که مشخص شد او سرقت نکرده است او را آزاد کرد و با این استدلال حبس هم یک مجازات تعزیری است" یکی دیگر از فقها در این خصوص این چنین بیان می‌دارد: "این که در کتب لغت، تعزیر به ضرب یا اشد ضرب تطبیق شده، سخن به میان آمده است و لذا اکثر فقها تعزیر به غیر از تازیانه زدن را جایز نمی‌دانند، ولی نظر اینجانب همان گونه که در کتاب دراسات در ولایت فقیه به تفصیل بحث شده است آن است که ذکر تازیانه در روایات فوق به آن جهت بوده است که تازیانه در آن روزگار رای‌ترین و آسان‌ترین و مؤثر-ترین وسیله جهت باز داشتن فرد از ارتکاب جرم بوده است نه این که خصوصیتی نهان در آن نهفته باشد. از دقت در لسان روایات مربوطه به حد و تعزیر چه بسا به دست می‌آید که تشریع آن برای اصلاح فرد و جامعه و جلوگیری از تکرار جرم است. پایه دیگر استدلال ما آن است که مبنای تعزیر بر مصلحت است و همان طور که یکی از فقها گفته است "تعزیر امری عبادی و پنهانی نیست که تشریع شده باشد، برای مصالحی که ما آن را نمی‌دانیم. بلکه هدف آن تأدیب و بازداشتن او و همچنین ترساندن هر کسی که آن را می‌بیند و می‌شنود است" یکی دیگر از فقها در این خصوص بیان می‌دارد: از طرف دیگر اعمال مجازات از مصادیق دخالت و سلطه‌ی دیگری است که بر اساس اصل اولی مستفاد از عقل و شرع تصرف و سلطه‌ی دیگری



بدون رضایت او جایز نیست مگر در مواردی که شارع آن را تجویز نموده باشد و نوعی مشروعیت و سلطه‌ی دیگری را مشروعیت داده باشد. اما در مورد تعزیرات قدر متیقن آن است که حاکم شرع واجد شرایط تا جایی بر مجرم سلطه دارد و می‌تواند او را تعزیر کند که در راه اصلاح و تادیب او باشد. بنابراین اگر توسط کارشناسان مربوط تشخیص داده شود، که با مجازات خفیفی می‌توان مجرم را تأدیب و اصلاح نمود، دلیلی از جهت عقل و شرع بر جواز مجازات شدید او وجود ندارد.

بخش پنجم: جنون هنگام ارتکاب جرم

مسئولیت جزایی مبتنی بر تقصیر است و لذا وقتی در حین ارتکاب جرم، مرتکب مجنون باشد، این جنون موجب عدم اجرای کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۲۲۲). به همین خاطر ماده ۷۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است. بنابراین در این حالت مجازاتی بر مجنون اعمال نمی‌شود و یکی از امتیازاتی که قانون‌گذار برای مجنون در نظر گرفته است این موردی باشد. اما اولین مسأله‌ای که از این ماده به ذهن متبادر می‌شود، معنای عبارت "جنون به هر درجه باشد" است. برداشت‌های مختلفی از عبارت مذکور شده است؛ به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند تهیه‌کنندگان قانون با به‌کار بردن جمله (جنون به هر درجه که باشد) حتی موارد بیماری‌های روانی را نیز که در مرز سلامتی و جنون قرار دارند، مورد توجه قرار داده است و این‌گونه بیماران می‌توانند از معافیت ماده ۵۱ استفاده کنند (نوربها، ۱۳۹۳: ۳۰۵). اما پذیرش این نظر باعث می‌شود که دیگر هیچ کس مجرم به حساب نیاید؛ زیرا تمام افراد در هنگام ارتکاب جرم، اندکی اختلال روانی دارند؛ یا قانون‌گذار به منظور رعایت اصول و موازین شرعی، خصوصاً شرایط عامه‌ی تکلیف، جنون را به معنی زوال عقل که با مفهوم عرفی دیوانگی مترادف است استعمال کرده است. یا آن دسته از بیماری‌های روانی را شامل می‌شود که موجب سقوط قوه تمیز (تشخیص حسن و قبح اعمال) و زوال اراده فرد است (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۷۸). به نظر می‌رسد آن چه مدنظر تدوین‌کنندگان قانون مجازات از اصطلاح مجنون

بوده، موردی است که در عرف از آن تحت عنوان "دیوانگی" یاد می‌شود. به طور کلی این سبک قانونگذاری در مورد جنون چندان قابل دفاع نیست؛ زیرا قلمرو اصل عدم مسئولیت جزایی را در عمل گسترش می‌دهد، حتی ممکن است ابتلای به بیماری‌های روانی خفیف نیز، مشمول حکم ماده ۵۱ قرار گیرد. اما این اشکال در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ برطرف و جنون تعریف شده است. ماده ۱۴۹ این قانون اشعار می‌دارد: هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.

بنابراین فقدان اراده یا قوه تمیز، معیار مجنون بودن شخص محسوب می‌شود. این معیار نیز قبلاً در بند الف ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ ذکر شده بود و مرتکب در صورتی که حین ارتکاب جرم به علل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار می‌بود، مجرم محسوب نمی‌شد. نکته قابل توجه این است که فرد می‌بایست به طور کلی فاقد اراده یا قوه تمیز باشد و چنان چه به طور نسبی مبتلا به اختلال روانی باشد مشمول معافیت این ماده قرار نمی‌گیرد و مسئولیت کیفری دارد. امری که مطابق بند ب ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ شخص قابل مجازات بود اما مجازات چنین شخصی بر حسب نوع جرم (نایت یا جنحه) خفیف‌تر از مجازات اشخاص سالم بود.

بخش ششم: جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی

در این فرض متهم در هنگام جرم از سلامت عقل برخوردار بوده و با آگاهی و اراده مرتکب جرم شده است؛ ولی پس از آن یعنی در زمان محاکمه، مجنون شده است. از آن جایی که فرد در این مرحله دادرسی می‌بایستی از سلامت عقل برخوردار باشد تا بتواند از خود دفاع نماید، محاکمه او در این وضعیت خلاف اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. بنابراین جنونی که بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم عارض شده باشد از موانع تعقیب دعوای عمومی است. حکم قضیه در این زمینه در تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ مشخص شده است؛ هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه، تعقیب





و دادرسی متوقف می‌شود. به عبارت دیگر، ابتلای متهم به جنون، پس از وقوع جرم، از موانع تعقیب دعوای عمومی است که با هدف اعطای حق دفاع به متهم صورت می‌گیرد و طبیعی است که پس از رفع مانع، به استناد اصل تساوی افراد در مقابل قوانین و نیز قاعده قانونی یا الزامی بودن تعقیب، دعوای عمومی جریان خود را دوباره از سر خواهد گرفت و محاکمه طبق ضوابط قانونی به عمل خواهد آمد (آشوری، ۱۳۹۰: ۲۴۸). ادامه این تبصره مقرر می‌دارد (...). مگر آن که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج رور نسبت به معرفی وکیل اقدام نمایند. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد) در واقع آن چه از این تبصره برداشت می‌شود این است که دادگاه با توجه به ادله موجود همانند وجود شاهد، پی به مجرمیت متهم می‌برد و نیازی به دفاع وی نخواهد بود؛ این در حالی است که متهم در زمان ارتكاب جرم حتماً حضور داشته و بهتر از هر کس دیگری در مورد جرم ارتكابی اطلاع داشته باشد و حتی در اینگونه موارد شاید براساس دیگر مواد این قانون، ادله ارتكابی را رد نماید؛ به هر حال به نظر می‌رسد این تبصره بر خلاف دادرسی عادلانه متهم بوده است، می‌باشد. اینک به عروض جنون در این مرحله در مجازات‌های مختلف با توجه به ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ پرداخته می‌شود. در جرایم مستوجب حد، تبصره ۱ ماده ۱۵۰ این قانون مقرر می‌دارد: (..... در صورت عارض شدن جنون قبل حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد...) بنابراین تبصره و دیگر مواد ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ جرایم حدی یعنی زنا، لواط، تفریض، مساحقه، قوادی، سب النبی، مصرف مسکر، محاربه، بغی و فساد فی الارض در صورت عروض جنون، تعقیب تا رفع مانع متوقف خواهد شد و مجنون به مکان مناسبی منتقل می‌شود. در این حالت، بروز جنون مانعی برای ادامه تعقیب کیفری متهم به شمار می‌آید و تا بهبود حال وی، اقدامات لازم برای تکمیل پرونده فقط نسبت به سایر افراد، اماکن و اشیاء صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، مجنی علیه به پزشکی قانونی معرفی و نظریه آن سازمان در مورد میزان و طول درمان صدمات اخذ می‌شود.

شهود احضار و شهادت آنها استماع می‌شود؛ تحقیقات و معاینه محل صورت می‌گیرد و با پایان یافتن این اقدامات، تا زمان افافه متهم، ادامه تحقیقات مقدماتی متوقف می‌شود (خالقی، ۱۳۹۰: ۹۷). بنابر مفهوم مخالف این ماده، در جرایم حق الناس یعنی قذف و سرقت، تا زمانی که شاکی، شکایت نکرده است، در صورت عروض جنون، این امر مانع رسیدگی نیست و تعقیب و محاکمه نسبت به مجنون ادامه می‌یابد.

در جرایم مستوجب قصاص و دیه حکم دیگری مخالف این تبصره در قانون یادشده مقرر شده است. تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: (... در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و هم چنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست) این ماده حداقل نسبت به قصاص که در صورت اجراء غیرقابل جبران به نظر می‌رسد قابل ایراد به نظر می‌رسد. برای مثال ایراد ضربه‌ای نوعاً کشنده نسبت به عموم افراد یا حتی نسبت به مجنی علیه با توجه به وضعیت وی همانند بیماری باشد، امکان دارد که متهم از نوع کشنده بودن عمل خود آگاهی نداشته باشد. در این صورت مطابق تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۹۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، متهم می‌بایست عدم آگاهی خود نسبت به کشنده بودن رفتارش در آن شرایط و اوضاع و احوال را به اثبات برساند؛ مخصوصاً زمانی که وضعیت فرد مانند بیماری از دید متهم پنهان باشد، در این صورت چگونه باید عدم آگاهی خود را به اثبات برساند؟

ماده ۳۰۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ حکمی دیگر مقرر داشته و آن هم موردی است که بین بالغ یا عاقل بودن مرتکب تردید وجود داشته باشد. این ماده مقرر می‌دارد: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در ... عاقل بودن مرتکب هنگام ارتکاب جنایت تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال .. افافه او از جنون سابقش انجام گرفته است، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعا خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افافه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات



کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا معجی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

بخش هفتم: جنون حادث پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات

در این فرض، متهم تا زمان صدور حکم قطعی در حالت افاقه بوده، اما پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات، جنون بر وی عارض شده است. در این حالت، طبق مقررات کیفری کشورمان جنون مسقط کیفر نیست، در حالیکه به نظر می‌رسد حکم عادلانه این باشد که (جنون پس از صدور حکم محکومیت یا در جریان مجازات را باید از مسقطات مجازات محسوب کرد) زیرا از آن جایی که یکی از اهداف مجازات‌ها اصلاح و بازسازی مرتکب می‌باشد، فرد مجنون نمی‌تواند تشخیص دهد که به چه علت مجازات را درباره وی اعمال می‌نمایند. از آن جایی که احکام جنون در این قسمت با توجه به نوع مجازات، متفاوت می‌باشد، ذیلاً به بررسی هریک از مجازات‌ها و تأثیر جنون بر آن‌ها پرداخته می‌شود.

بخش هشتم: تأثیر جنون بر مجازات‌های حدی

به نظر فقها (اگر اجرای حدی بر شخصی واجب گردد و سپس جنون عارض وی شود حد ساقط نمی‌شود بلکه در حال جنونش حد جاری می‌شود و افاقه وی انتظار کشیده نمی‌شود) (گرجی، ۱۳۸۱). به همین دلیل، در مواد ۹۵ و ۱۸۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ در باب زنا و شرب خمر آمده بود: «هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود» مستند این ماده روایتی است که ابی عبیده از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت درباره مردی که حد بر او واجب شده بود، ولی حد اجراء نشده بود تا این که محکوم علیه دیوانه می‌شود، امام (ع) فرمود: اگر در حالت صحت عقل و بدون این که عقلش را از دست داده باشد، حد را بر خود واجب گردانیده باشد، حد بر او جاری می‌شود. ممکن است اینگونه به نظر آید که حکم این ماده در مورد سایر حدود هم قابل تسری می‌باشد و شامل کلیه مجازات‌های جدی می‌شود، اما از آن جایی که اصل حکم بنابر آن چه که بعضی معتقدند قابل تردید و اشکال است، چنان که آیت الله منتظری در کتاب الحدود خویش در ذیل این کلام صاحب شرایع (ولا

سقط الحد باعتراض المجنون یعنی حد با عروض جنون ساقط نمی‌شود چنین اظهار عقیده نموده است: اقول - بعد التیا و التی - الافتاء با اجراء الحد جلده کان او رجمه علی المجنون فی حال جنونه مشکل و مخالف الموازی (یعنی این که بعد از مورد توجه قرار دادن نظریات مختلف در این مورد چنین به نظر می‌رسد که فتوی دادن به اجرای حد جلد یا رجم بر جنون در حالت جنونش مشکل و با موازین ناسازگار است. از طرف دیگر، طبق قاعده فقهی (تدرأ الحدود بالشبهات) یعنی حدود با شبهه رفع می‌شود، در این جا شک داریم که در مورد سایر حدود، جنون عارض بر فرد موجب حد می‌شود یا خیر که با تمسک به این قاعده می‌توان حکم داد که حد بر مجنون در غیر مورد زنا یا شرب خمر اجرا نمی‌شود و تا زمان رفع حالت جنون، مجازات بلا اجراء می‌ماند. در این زمینه نیز نظریه مشورتی از سوی اداره حقوقی قوه قضائیه صادر شده است که مؤید دیدگاه فوق می‌باشد. نظریه شماره ۵۸۶۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۹/۳۰ مقرر می‌دارد: "مادتین ۹۵ و ۱۸۰ قانون مجازات اسلامی، فقط در جرایم زنا و مسکر مصداق دارد، در سایر جرایم نباید به اجرا در آید" با این وجود، آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲ خلاف این نظر می‌باشد. ماده ۵ آیین نامه مقرر می‌دارد: (عروض جنون... مانع اجرای حد... نیست) بنابراین با عارض شدن جنون بر فرد در این مرحله، مجازات حدی در هر صورت بر وی اعمال خواهد شد. مطابق ماده ۲۱۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ حکم دیگری در این زمینه مقرر شده است: در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد همانگونه که گفته شد از شرایط مسئولیت کیفری شخص، عاقل بودن وی می‌باشد و در صورت جنون، وی مسئولیت کیفری ندارد. اما ممکن است فرد ادعا نماید که مجنون بوده است، حکم این مورد در ماده ۲۱۸ قانون مذکور مقرر شده است. مطابق این ماده: در جرایم موجب حد هر گاه متهم ادعا... وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتكاب جرم را نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود. ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود) این ماده مطابق حدیث "رفع قلم" که بار تکلیف از دوش مجانین برداشته شده و هم چنین اصل (تدرأ الحدود بالشبهات) است؛ بنابراین صرف این ادعا که وی در زمان ارتكاب جرم مجنون بوده است و احتمال صدق گفته وی داده شود کافی





است تا مجازات حدی درباره وی اعمال نشود. تبصره ۱ همین ماده نیز مقرر می‌دارد: در جرایم محاربه و فساد فی الارض و جرایم منافی عفت اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است. دادگاه در این موارد می‌تواند موضوع را به کارشناسی برای تأیید یا رد جنون فرد ارجاع دهد اما در مورد جنون در این مرحله در خصوص جرایم حدی تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر گاه مرتکب یکی از جرایم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود، حد ساقط نمی‌گردد...» به طور کلی اصل بر این است که بعد از صدور حکم اجرای مجازات، معلق، ساقط یا به تأخیر نمی‌افتد، مگر در مواردی که قانون‌گذار مشخص می‌نماید. در اینجا هم نص صریحی برای عدم اجرای مجازات وجود ندارد و در نتیجه به اصل رجوع و مجازات را اجرا می‌کنیم.

بخش نهم: تأثیر جنون بر مجازات قصاص

در مورد قصاص حکم صریحی در مقررات موضوعه وجود ندارد لکن فقهاء تقریح کرده‌اند: "لو قتل عاقل ثم خولط و ذهب عقله لم يسقط عنه القود سواء ثبت القتل بالبينه او با قراره حال صحته" مرحوم آیت‌الله خویی در تکمیل و توجیه این حکم بیان داشته است: (بلاخلاف، عندنا نعم نسب الخلاف الى بعض العامة والوجه في ذلك: هو النصوص الخاصة و هي النصوص المتقدمة لا تشمل هذه الصورة، لأن ظاهرها هو صدور الفعل من المجنون حال جنونه، فلو جن بعده لم يكن مشمولاً لها و كذا لا يشمل ما دل على رفع القلم على المجنون، و عليه فمقتضى اطلاقات ادله القصاص جواز قتله" یعنی در این مسأله اختلاف نظری بین فقهاء امامیه وجود ندارد، بلی به بعضی از علماء عامه خلاف این نظر نسبت داده شده و وجه این حکم این است.

اولاً نصوص خاص - یعنی نصوص متقدم (که راجع به رفع قصاص از مجنون حین ارتکاب قتل) این صورت را شامل نمی‌شوند؛ زیرا ظاهر این روایات مربوط به موردی است که فعل از شخص مجنون در حال جنونش صادر شده باشد، بنابراین اگر بعد از آن جنون عارض شد، مشمول این روایات نخواهد بود. هم چنین مطابق م. ۵ آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل و... (عروض جنون... مانع... اجرای... قصاص... نیست) بنابراین با عروض جنون مجازات قصاص در مورد وی اعمال می‌شود. حال باید دید اجرای مجازات قصاص بر مجنون با اهداف مجازات‌ها سازگار هست یا خیر؟ امروزه سه هدف از اجرای مجازات دنبال می‌شود

که عبارتند از: ۱. ترساندن (ارعاب)؛ ۲. سزا دادن (مکافات)؛ ۳. باز سازگار کردن (اصلاح) ترساندن خود به ارعاب عمومی و اختصاصی تقسیم شده و ارعاب عمومی به معنای ایجاد ترس در توده مردم و در نتیجه بازداشتن کسانی که ممکن است به سمت جرم بروند و ارعاب اختصاصی هم به معنای این است که بزهکار با مجازاتی که بر وی اجراء می‌شود از کرده خود دست بشوید و دیگر دست به ارتکاب جرم نزنند. سزا دادن به معنای این است که بزهکار باید تاوان بدی‌ای را که کرده است ببیند و مجازات شود. به عبارت دیگر، بزهکار مدیون است و بایستی دین خود را با مجازات بپردازد. و در نهایت بازسازگار کردن به معنای این است که اجرای مجازات موجب اصلاح و تربیت بزهکار و در رفتار او موجب تغییر شود. با این توضیحات به نظر می‌رسد اجرای مجازات قصاص (نفس یا عضو) بر مجنون، اهداف فوق را محقق نمی‌سازد؛ زیرا از یک طرف با توجه به وضعیت او نه در توده مردم ارعابی ایجاد می‌شود و نه خود فرد مرعوب می‌گردد. هم چنین با گذر زمان، عنصر اخلاق (روانی) جزء عناصر جرم شده است. کودکان، دیوانگان بازخواست نمی‌شدند، زیرا فاقد اهلیت بودند، یعنی سزاوار کیفر نبودند. حتی این احساس که در این قبیل موارد عدالت تحقق یافته در مردم پدید نمی‌آید و آن‌ها را نسبت به دستگاه عدالت کیفری بدبین می‌سازد. از نظر هدف اصلاحی به طور کلی مجازات‌هایی مانند اعدام، رجم، قصاص با این هدف منافات دارد و نمی‌توان از باز سازگاری بزه کار در مورد این مجازات‌ها سخن گفت. بنابراین به نظر می‌رسد که در مورد این حالت می‌بایستی قصاص را حداقل تا زمان بهبود مجنون اجرا نکرد.

بخش دهم: تأثیر جنون بر مجازات دیه

به نظر می‌رسد که در این مورد می‌توان دیه را از اموال مجنون وصول نمود. زیرا دیه یک امری مالی است و در این مورد قاضی می‌تواند ولی مجنون را مکلف نماید که از اموال مجنون دیه را بپردازد و پرداخت دیه منافاتی با جنون فرد ندارد. به عبارت دیگر (مجازات‌های مالی، که ارتباطی با مسأله ناتوانی محکوم دیوانه در درک مسأله ندارد، فوراً درباره او اجرا می‌شود) در این رابطه بعضی مواد در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز به چشم می‌خورد که به این موضوع مرتبط می‌باشد؛ از جمله مسئولیت عاقله تنها در صورتی است که وی عاقل باشد. در همین





خصوص ماده ۴۶۹ این قانون مقرر می‌دارد: عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع، عاقل، بالغ و در مواعد پرداخت اقساط دیه، تمکن مالی داشته باشد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، عاقله در صورت جنون از پرداخت دیه معاف و مطابق ماده ۴۷۰ همین قانون، خود مرتکب و در صورت عدم تمکن وی، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. البته مقنن در مورد عاقله‌ای که مجنون است تکلیف را روشن نکرده، بلکه گفته است در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود. شایان ذکر است که در پرداخت دیه از بیت‌المال طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۴۴-۱۳۹۱/۱۰/۵ قدر متیقن یعنی فقط آن چه در قانون مذکور است اکتفا کرد. تأثیر جنون بر مجازات تعزیری: هر چند در ماده ۱۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ با به کار بردن عبارت: (از قبیل) تنوع مجازات‌ها را در تعزیرات به کار برده بود، اما عموماً تعزیرات شامل حبس شلاق می‌شوند. بنابراین در ادامه به بررسی این دو قسم از مجازات تعزیری پرداخته شده است. در صورتی که مجازات تعزیری حبس باشد، جنون محکوم ممکن است قبل از معرفی محکوم به زندان برای تحمل حبس باشد و نیز ممکن است در مرحله تحمل کیفر به وجود آید. نحوه اقدام و مقررات اجرای مربوط به مرحله قبل از معرفی محکوم به زندان و بعد از معرفی محکوم به زندان و حین تحمل حبس و عروض جنون به طور جداگانه بررسی می‌شود. جنون محکوم قبل از معرفی به زندان: در این رابطه تبصره ماده ۲۳۱ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۱۹ مقرر داشته بود: در صورت جنون، محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود. ایام توقف در بیمارستان جزء محکومیت وی محاسبه می‌شود. جنون ممکن است حین تحمل حبس عارض شود و ممکن است قبل از معرفی محکوم به زندان بروز نماید. بنابراین چنان چه قبل از معرفی محکوم به زندان، از طریق بستگان محکوم یا از هر طریق دیگری ابتلاء محکوم به جنون اعلام شود. یکی از وظایف قاضی اجرای احکام کیفری بوده که در بند ۳ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ بر آن تأکید شده، همین است. جنون محکوم حین تحمل حبس: اصولاً جنون باعث توقف یا سقوط اجرای حبس نمی‌شود. چنان چه محکوم در حال تحمل حبس، مجنون شود مطابق تبصره ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود، بنابراین هر زمان که موضوع جنون توسط مسئولین زندان گزارش شد، قاضی اجرای احکام دستور می‌دهد محکوم، تحت الحفظ مأموران مراقب به پزشکی قانونی اعزام شود تا پزشک قانونی پس از معاینه راجع به سلامتی یا جنون محکوم اظهار نظر نمایند. ضمناً به بستگان محکوم نیز اطلاع داده می‌شود، چنان چه در خصوص جنون محکوم سابقه‌ای در اختیار دارند، سوابق را به پزشک قانونی تحویل نمایند. هم چنین به مسئولین زندان دستور داده می‌شود، چنان چه محکوم در زندان سابقه بالینی و درمانی دارد جهت بررسی و بهره‌برداری نزد پزشکی قانونی ارسال دارند. پس از معاینه و اظهارنظر پزشکی قانونی، چنان چه جنون محکوم به تأیید رسید، قاضی اجرای احکام نظریه پزشکی قانونی را به زندان ارسال می‌کند و دستور می‌دهد، محکوم جهت معالجه و درمان به بیمارستان روانی اعزام و معرفی و تحت مراقبت مأموران انتظامی در بیمارستان بستری و نگهداری شود.

بخش یازدهم: اختلال روانی و مسئولیت جنائی در قوانین دیگر کشورها:

مجموعه‌ی قوانین کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان، دانمارک، ایالت متحده و کانادا در زمینه چگونگی مسئولیت جنائی افراد دارای اختلال روانی:

قانون فرانسه: مجموعه قوانین مجازات ۸۰۱۰ فرانسه (مشهور به کد ۱۸۱۰ ناپلئون) در سال ۱۹۹۴ میلادی جای خود را به مجموعه قانون مجازات نوین داد. در فصل دوم این قانون ذیل عنوان دلایل عدم مسئولیت یا تخفیف دهنده مسئولیت در ماده ۱-۱۲۲ آمده است که شخص که در هنگام وقوع عمل دچار اختلال روانی یا عصبی-روانی بوده که قدرت تشخیص یا قدرت کنترل بر اعمالش را زایل نموده است از نظر کیفری مسئول نیست. شخصی که هنگام وقوع عمل دچار اختلال روانی یا عصبی-روانی بوده که قدرت تشخیص او را خدشه دار نموده یا مانع از تسلط بر اعمالش شده است قابل کیفر باقی میماند. با این همه دادگاه در هنگام تعیین کیفر و رژیم اجرایی آن وضعیت یاد شده را مدنظر قرار می‌دهد.





در حقیقت قانون و رویه قضایی فرانسه با به کار بردن اطلاع نارسایی (اختلال) روانی به جای جنون هر گونه اختلال عصبی یا روانی موثر بر اراده را موجب انتفاع مسئولیت دانسته است (آرمین و همکاران، ۱۳۹۶).

علاوه بر این همانگونه که در قسمت دوم این بخش آمده خدشه دار شدن قدرت تشخیص موجب مسئولیت جنائی نقصان یافته میشود. فرانسه از کشورهایی است که دفاع مسئولیت جنائی نقصان یافته را در رژیم قضایی خود پذیرفته است.

انگلیس: این کشور و عدم مسئولیت جنائی برای بیماران روانی را که در حین انجام بزه دچار اختلالات ذهنی بوده اند، پذیرفته است. شخص در هنگام انجام جرم باید از سه معیار تبعیت کند تا بتواند دفاع از جنون را ارائه کند:

۱) فقدان کلی قوه تمیز و نه ضعف جزئی و موقتی

۲) جنون به سبب یک بیماری روانی باشد

۳) این اختلال یا به این صورت ظاهر میشود که مرتکب در حین جرم ماهیت و معنای افعال خود را فراموش کند یا اینکه وی در آن لحظه قادر به درک جم بودن عمل خود نباشد (امرانی، ۲۰۰۷).

مسئولیت نقصان یافته در قوانین کشور انگلستان را میتوان در قانون راجع به قتل در سال ۱۹۵۷ یافت که مطابق این قانون کاهش مسئولیت جنایی در مورد افرادی که مسئولیت روانیشان به میزان قابل توجهی مخدوش باشد اعمال میشود. این اختلال میتواند به سبب ناهنجاریهای روانی ناشی از بیماری روانی و یا کمبود مادرزادی باشد ۳۱

آلمان: قانون مجازات آلمان بر اساس آخرین اصلاحات در سال ۲۰۰۹ در باب مبانی مسئولیت جنائی در ماده ۲۰ ذیل عنوان جنون بیان داشته است هرکس در زمان ارتکاب جرم قادر به تشخیص غیر قانونی بودن اعمال خود نباشد یا بر اساس قوه تشخیص خود، به دلیل اختلا روانی بیمارگونه، اختلال کامل شعور، ناتوانی یا هر گونه ناهنجاری شدید عقلی دیگر،

مرتکب فعل مجرمانه شود، فرض بر این است که فعل وی بدون تقصیر بوده است (بوهلندر، ۲۰۰۰).

نتیجه گیری

به طور کلی هر نوع اختلالات روانی شدید (از عقب ماندگی ذهنی تا اختلال‌های خلقی و روان گسیختگی) که با توجه به علائم مشخصه‌ی آن اختلال بر حسب نظر روانپزشک قدرت تمیز را مختل کرده منجر به فقدان اراده شود در حکم جنون یا بیمار روانی شناخته می‌شود، است. به طور کلی از عوامل اثرگذار بر خشونت و جرائم خشونت آمیز را در جنون و اختلال‌های روانی که طیف گسترده‌ای از انواع جنون و اختلال را در بر می‌گیرد، دانست. امکان دارد این جنون و اختلال در روان از نحوه برخورد والدین با نیازهای فرزندان، وجود الگوی نامناسب، تأثیر رفتار پرخاشگرانه، تشویق رفتار پرخاشگرانه، تبیه والدین و مربیان، بی‌سازمانی اجتماعی، عامل پس افتادگی فرهنگی، پیشرفت تکنولوژی، شهرنشینی، تراکم و افزایش جمعیت، حوادث غیرمنتظره از قبیل جنگ، وسایل ارتباط جمعی و ضعف بنیه اخلاقی و اعتقادی سرچشمه بگیرد یا از طریق یادگیری اجتماعی که الگو گرفتن از همسالان و دیگر افراد است از جمله از ویژگی‌هایی است که افراد خشن با الگوگیری از این افراد مرتکب جرائم خشن شود. نبود کیفیت زندگی خانوادگی که در طول زمان منجر به آشفتگی روانی می‌شود روحیه پرخاشگری و خشونت را در مجرمین جرائم خشن به وجود می‌آورد. حالتهایی مانند عصبانیت، ناکامی، افسردگی، احساسهای طرد شدگی، استرس زیاد، آشفتگی درونی، روابط نامطلوب اجتماعی همه از فاکتورهایی هستند که انگیزه و تمایلی در فرد برای ارتکاب جرائم خشن به وجود می‌آورد. علت دیگر را شاید بتوان در نبود حمایت اجتماعی از طرف خانواده، دوستان، اجتماع، همسالان و سازمانها در فرد احساس ازهم گسیختگی را به وجود می‌آورد که روان او را دچار آسیب می‌کند که این امر خود عاملی برای ارتکاب جرائم خشن در فرد می‌باشد، دانست. حتی وجود ژنهایی در بدن منجر به پرخاشگری و عصبانیت می‌شود که قدرت تمیز را از فرد می‌گیرد و فرد با در موقعیت گرفتن محیط مستعد جرم جرم را مرتکب





می شود. ژنهای مربوط به انتقال دهنده‌های عصبی که با شخصیت ضد اجتماعی و رفتار خشونت بار ارتباط دارند، ژنهایی که با کروموزوم رابطه دارند، کم بودن ژنهایی که با رفتار تهاجمی ارتباط دارند امکان این را در فرد ایجاد می کنند که او به توهم‌ها، هذیان‌ها، بیماری- های روانی مانند اسکیزوفرنی دچار شوند. اختلال‌های خلقی نیز تا حد زیادی تحت تأثیر عامل‌های ژنتیکی و این ژنها قرار دارند. همچنین، اختلال‌های خلقی شخص ممکن است به شدت افسرده یا شیدا دچار سرخوشی وحشیانه باشد، نیز عاملی در شیوع و ارتکاب افراد به جرائم خشن است.

در زمینه زیست شیمیایی جرم شناسی می توان گفت افراد مبتلا به اختلال روانی تغییرات هورمونی در بدن دارند که عملکرد آن بستگی به عملکرد غدد درون ریز دارند مانند تغییر میزان تسترون در مردان که رابطه‌ای با رفتارهای پرخاشگرانه دارند. کمی قند خون هم همینطور. اما درمورد عوامل بیرونی که منجر به دیوانگی فرد و ارتکاب او به جرائم خشن می- شود می توان گفت تولیدات صنعتی باعث آلودگی‌های شدید محیط زیست میشود، رژیم غذایی (مصرف مواد غذایی دارای سرب، جیوه، سم دفع آفات که از طریق گوناگون وارد بدن فرد می شود)، مصرف الکل و شکر همه با رفتار مجرمانه ارتباط دارند و مواد مسموم کننده‌ای که با اختلال‌های شدید ادراکی و رفتاری مرتبط است، ضایعات مغزی، ناهنجاریهای موج الکتریکی مغز و اختلال‌های جزئی مغز را علت جنون افراد مرتکب جرائم خشن این عوامل نیز در ارتکاب افراد به جرائم خشن دخیل هستند.

با عنایت به آنچه گفته شد عدم مسئولیت جنائی برای بیماران روانی که از سلامت روان برخوردار نیستند در نظام جنائی کشورهای بسیاری از جمله فرانسه، آلمان، کانادا، ایالت متحده آمریکا و انگلیس پذیرفته شده است به شکلی که قوانینی برای مسئولیت جنائی نقصان یافته برای اختلال‌های روانی محول محور جنون به چشم میخورد

به طور اجمالی می توان گفت در قانون کیفری برای اجرای عدالت کیفری میزان بیماری روانی با تشخیص پزشکی قانونی به طور دقیق انجام میگیرد و بر اساس میزان بیماری روانی و

عدم آگاهی فرد مجرم در نبود یا فقدان مغز و عقل میزان مسئولیت کیفری وی مشخص و میزان کیفر آن تصمیم گیری می‌شود. بهر حال سلام روان در میزان تعیین مسئولیت کیفری و بروز جرایم خشن دارای اهمیت بالایی بوده که در کشورهای مختلف در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته و قوانینی نیز به تصویب رسیده است.



منابع و مأخذ

نجفی توانا، علی. (۱۳۹۵-۹۶). تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق کیفری، دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

نوربها، رضا. (۱۳۸۹). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و هشتم
حلی، مقداد؛ نجم الدین، جعفر. (۱۴۱۸ هـ.ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال، چاپ دوم، قم، ایران، جلد ۱۳.

آشوری، محمد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ پانزدهم.

عاملی، زین الدین. (۱۳۹۶). شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی، جلد ۱۳، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ هفتم،

عاملی، محمد. (۱۶۰۰). القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، چاپ اول، ایران، افسر از چاپ نجف، ۱۶۰۰ هـ.ق، قاعده ۳.

موسوی اردبیلی، س.ع.ک. (۱۱۱۷ هـ.ق). فقه الحد و التعزیرات، موسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله، چاپ دوم، قم، ایران، جلد ۱.

نجفی، م.ح. (۱۶۰۲ هـ.ق). جواهر کلام فی شریع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ششم، جلد ۲.

آرمین، علیمردانی، رایجیان اصلی، مهرداد، واحدی، مصطفی، میرحامد، خانی. (۱۳۹۶). نقش اختلال‌های روانی منجر به رفتار مجرمانه بر درجات مسئولیت جنایی، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی، شماره ۱، ۷۱-۶۱.

آشوری، محمد. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری (دو جلدی)، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.

باهری، محمد. (۱۳۹۴). نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

بهمن پوری، عبدالله، جعفر پور، سهیلا. (۱۳۹۵). مفهوم شناسی جنون و تأثیر آن بر مجازات‌ها، نخستین همایش ملی واژه پژوهشی در علوم انسانی.

گرجی، ا. (۱۳۸۱). حدود و تعزیرات و قصاص، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

ملکی، مصطفی، جعفری، جلال، جمشیدی، مجید. (۱۳۹۶). آسیب شناسی جرایم خشونت و راهکار پیشگیری از آن، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، شماره ۲۴، ۵۸-۴۷.

منظری نجف آبادی، ح.ع. (۱۹۲۰ هـ.ق). کتاب الحدود، قم: انتشارات دار الفکر، چاپ اول. موسوی اردبیلی، س.ع. (۱۴۲۷ هـ.ق). فقه الحدود و التعزیرات، موسسه النشر الجامعه المفید رحمه الله، جلد ۳، چاپ دوم.

موسوی خمینی، س.ر.ا. (۱۹۲۵ هـ.ق). تحریر الوسیله، مترجم اسلامی، علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، جلد ۴.

Smelser NJ, Baltes PB. International encyclopedia of the social & behavioral sciences. Elsevier Amsterdam; 2001. 8507-8510 p.35-

Rayejian Asli M. A compraison study on insanity defence in Engalnd, Canada, U.S, and France. Kanoon. 2001;45(5):81-94.

Omrani S. Mentally ill Criminals have no criminal responsiblity in Europe. Eslah va Tarbiat. 2007;6(1):19-22.

Mohamadi Forod H. Psychology of Schizophrenia and Crime. Al Amini MR, editor. Eslah va Tarbiat. Tehran: Mizan; 2004; 3)1:(26-7.

Buhlandar Mi. The Criminal Law of Germany. Abbasi A, editor. Tehran: Majd; 2000.

